

ساختارشناسی تحلیلی - انتقادی کتاب «منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر عَلَيْهِ السَّلَام»^۱

کاوس روحی برندق^۲

چکیده

کتاب «منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر عَلَيْهِ السَّلَام»، نگاشته حضرت آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی، از مراجع بزرگ تقلید شیعه؛ یکی از کتاب‌های روایی معاصر در موضوع احادیث مربوط به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است که مؤلف محترم با تتبع طاقت فرسا از کتاب‌های فریقین (شیعه و اهل سنت) گردآوری و آن را مبتکرانه ساختاربندی کرده در بخش‌های متعدد ملحقات و پانوشت‌های متعدد عالمانه، به تبیین و رفع شبهه و چالش از احادیث مهدویت اقدام کرده است. این جستار که روش آن در گردآوری، کتابخانه‌ای و در تجزیه و تحلیل دیدگاه‌ها و مستندات، توصیفی، تحلیلی و انتقادی است؛ باهدف بازشناسی ساختار کتاب «منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر عَلَيْهِ السَّلَام» در چهار محور: ۱. توصیف و ذکر ویژگی‌ها؛ ۲. محاسن و امتیازها؛ ۳. کاستی‌ها و نقد و ارزیابی؛ ۴. پیشنهادها، به نگارش درآمده و هر یک از ریزساختارهای ده‌گانه کتاب را ساختارشناسی تحلیلی - انتقادی کرده و به این نتیجه کلی دست یافته است که کتاب حاضر با وجود محاسن و ابتکارهای غیرقابل انکار ساختاری، در مواردی دچار کاستی است و بر اساس پیشنهادهای داده شده، به تدوین مجدد نیاز دارد.

واژگان کلیدی: احادیث امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، کتاب منتخب الأثر، آیت الله صافی گلپایگانی، ساختارشناسی.

۱. این مقاله به همایش بین المللی مهدویت و انتظار در اندیشه حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ارائه و طبق تفاهم نامه بین دفتر فصلنامه انتظار موعود با پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی چاپ گردیده است.

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
k.roohi@modares.ac.ir

مقدمه

تألیف آثار در مورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از پیشینه‌ای دیرینه برخوردار است و با تاریخ نگارش حدیث در قالب اصول و سپس کتاب‌های مدون و سپس جوامع روایی و تک‌نگاری‌ها در خصوص روایات مهدویت گره‌خورده است و هر یک از این نگاه‌ها، دارای ساختاری خاص است. یکی از آثار مدون ابتکاری در عصر حاضر که از نظر محتوایی و شکلی از ویژگی‌ها و امتیازهای ویژه‌ای برخوردار است، کتاب «منتخب الأثر^۱ فی الإمام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف»، نگاشته حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی، از مراجع بزرگ تقلید شیعه است. همان‌گونه که از عنوان آن پیداست، کتاب مذکور، یکی از جوامع روایی در موضوع احادیث مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که مؤلف محترم با تتبع طاقت‌فرسا از کتاب‌های فریقین (شیعه و اهل سنت) آن را گردآوری و مبتکرانه ساختاربندی کرده است. این کتاب دارای یازده باب و هر باب دارای فصل‌های متعددی است که ابتدا به صورت تک‌جلدی و در اصلاح نهایی در سه جلد به چاپ رسیده است. جلد اول و دوم این مجموعه دارای مقدمه و جلد اول و سوم دارای ضمایم و ملحقات‌اند که مؤلف در این ملحقات و نیز در پانوشته‌های متعدد علاوه بر ارجاع دهی‌های عالمانه، با نگارش مقاله‌های کوتاه و گاه بلند، فراخور مسئله مطرح شده، به تبیین و شبهه زدایی و رفع برخی چالش‌ها در دفاع از روایات و آموزه‌های مهدویت پرداخته است.

از آن‌جا که نقد هر اثر، در معنای واقعی آن که عبارت است از بازشناساندن سره از ناسره (فراهِیدی، بی‌تا: ج ۵، ص ۱۱۸؛ جوهری، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۵۴۴؛ ابن فارس، ۱۳۹۹: ج ۵، ص ۴۶۷؛ فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۲۰ و طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۱۵۲)؛ نقش کلیدی در بازشناسی زوایای هر

۱. واژه «اثر»، بنا بر دیدگاهی با «خبر»، «روایت»، «حدیث» مترادف و هم‌معنا است؛ لیکن بنا بر دیدگاه دیگر، به آنچه از صحابیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است، گفته می‌شود (رک: علیاری تبریزی، ۱۴۱۲: ص ۲؛ مرعی، ۱۴۱۷: ص ۱۷-۲۱) و شیخ مفید، ۱۴۱۳: ص ۱۳-۲۱). در هر حال، با توجه به این‌که در کتاب «منتخب الأثر»، از کتاب‌ها و جوامع روایی فریقین به صورت همگن حدیث نقل می‌شود، و پاره‌ای از احادیث اهل تسنن، از صحابه نقل شده‌اند و این‌که این‌گونه احادیث، سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باشند، محل تردید است، لذا مؤلف محترم در یک عنوان فراگیر، واژه «اثر» را در عنوان انتخاب کرده است.

اثر علمی دارد؛ نقد و ارزیابی آثار سرآمد لازم و ضروری تر است و نخستین نوع نقد از انواع نقد یک اثر - شامل نقد شکلی، محتوایی و ساختاری - به منظور معرفی هر اثر، به ویژه کتابی چون کتاب «منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۱ که نقطه عطفی در میان نگاه‌های حوزوی از نظر ساختاری به شمار می‌آید؛ این جستار باهدف بازشناسی ساختار کتاب مذکور در صدد است اقدام به ساختارشناسی تحلیلی - انتقادی کتاب نامبرده پرداخته و مشخصاً پاسخ‌گوی پرسش‌های پژوهشی در این زمینه باشد.

تاکنون در مورد تحلیل ساختاری کتاب «منتخب الأثر» پژوهش‌های سامان نیافته است و لذا ضرورت نگارش این جستار موجه خواهد بود و بر این اساس، به گمان نگارنده، پژوهش حاضر تحقیقی نوآورانه است. هر چند مقاله‌هایی نه چندان فراوان در زمینه ساختارشناسی، به معنای اعم برخی کتاب‌های دینی - شامل ساختارشناسی شکلی و فنی و ساختاری و محتوایی - می‌توان با جست‌وجو در اینترنت یافت که ماهیتاً پیشینه این پژوهش به شمار نمی‌آیند و فقط از جنبه روش پیشینه عام به شمار می‌آیند؛ لذا از ذکر آن‌ها خودداری می‌گردد.

روش پژوهش حاضر در مرحله گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است و در مرحله تجزیه و تحلیل دیدگاه‌ها و مستندات، روش این پژوهش آمیزه‌ای از روش‌های توصیفی، تحلیلی و انتقادی است؛ اما مدل پژوهش حاضر برای ساختارشناسی کتاب، مدل نوآورانه به شمار می‌آید که در آن سعی شده است کاستی‌های مدل‌های نانوخته دیگران برطرف گردد. این مدل اگرچه ذیل عنوان آینده به صورت گذرا تبیین شده است؛ واقعیت آن است که تبیین مبسوط آن به نگارش روش‌شناسانه نیازمند است که نگارنده در حال تصنیف آن است و این مقاله گنجایش آن را ندارد.

۱. مشخصات نسخه مورد استفاده در این بررسی انتقادی، بدین قرار است: چاپ ۳ جلدی (جلد اول، ۳۲۸ صفحه؛ جلد دوم، ۵۶۸ صفحه و جلد سوم، ۴۸۲ صفحه)، تاریخ چاپ ۱۵ شعبان ۱۴۲۸ هجری، توسط دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی، چاپخانه ثامن الحجج عَلَيْهِ السَّلَامُ، توزیع توسط دائرة التوجیه و الإرشاد الدینی فی مکتب المرجع الدینی آیه الله العظمی الشیخ لطف‌الله الصافی الکلیپایگانی. ترجمه فارسی این کتاب توسط محسن احمدی در دوره شش‌جلدی صورت گرفته و نیز تلخیص و ترجمه آن با حذف متن عربی و ترجمه احادیث برگزیده، به چاپ رسیده است.



۱. تبیین مفهوم ساختار و ساختار کتاب

«ساختار» عبارت است از چگونگی اتصال موضوعات بر اساس الگوهای سازمان‌دهی منطقی (آرامبراستر، ۱۳۷۲: ص ۸۲) و یکی از عوامل مؤثر در یادگیری، ساختار متن کتاب است؛ زیرا متونی که بهتر سازمان‌دهی شوند، فهم و درک و یادسپاری و به‌کارگیری اطلاعات خود را افزایش می‌دهند (همان و آرمند، ۱۳۸۴: ص ۴۹)؛ اما در مورد معیارهای ساختارمندی کتاب، داده‌های چندانی مدون نشده است. پاره‌ای از این معیارها عبارتند از: فصل‌بندی منطقی کتاب (منصوریان، ۱۳۹۲: ص ۱۳)؛ تناسب عنوان با محتوا (ملکی، ۱۳۸۴: ص ۱۴)؛ طبقه‌بندی فصل‌های کتاب بر اساس نظام منطقی؛ نحوه چینش فصل‌های کتاب در ارتباط با موضوع اصلی؛ تناسب زیر عنوان‌های هر فصل با موضوع آن فصل؛ هم‌خوانی سازمان‌دهی مطالب بندهای هر قسمت با کل آن قسمت (رضی، ۱۳۸۷: ص ۲۰۰) و عدم تداخل اجزای کتاب (همدانی، ۱۳۹۹: ص ۴۳۶).

به زعم نگارنده، هرکدام از بخش‌های کتاب نیازمند ساختارمندی هستند و این بخش‌ها عبارتند از: ۱. ساختار عنوان؛ ۲. ساختار ریزساختارهای مقدماتی پیش از باب‌ها و مقدمه کتاب؛ ۳. ساختار باب‌ها؛ ۴. ساختار فصل‌های کتاب؛ ۵. پیکربندی عناوین؛ ۶. پیکربندی بندها؛ ۷. ساختار شیوه ارجاع دهی و پاورقی‌ها؛ ۸. ساختار ضمایم؛ ۹. ساختار کتاب‌نامه؛ ۱۰. ساختار نمایه‌ها. به‌منظور ساختارشناسی تحلیلی - انتقادی هرکدام از ریزساختارهای نامبرده باید مراحل طی شود. این مراحل از نگاه نگارنده به ترتیب شامل این موارد می‌شود: ۱. وصف و ذکر ویژگی‌ها؛ ۲. محاسن و امتیازها؛ ۳. کاستی‌ها و نقد و ارزیابی؛ ۴. پیشنهادها در جهت اصلاح. اما معیارهای ساختارمندی در هر کدام از زیر ساختارها به‌صورت بسیار گذرا عبارتند از: ۱. جامع بودن و وجود تمامی مؤلفه‌ها در مجموعه مربوط به هر ریزساختار؛ ۲. مانع بودن و عدم هم‌پوشانی و تکرار در مجموعه؛ ۳. ارتباط درونی بین اجزای مجموعه و رعایت ترتیب، تقدم و تأخر؛ ۴. ارتباط بیرونی و شبکه‌ای با سایر ریزساختارهای مرتبط.

بر این اساس، سعی خواهد شد الگوی تحلیل انتقادی این جستار، الگویی جامع و همه‌جانبه باشد؛ به این معنا که در تمامی زیرساختارهای ده‌گانه نامبرده، چهار مرحله از وصف و ذکر امتیازها و کاستی‌ها تا پیشنهاد، مبتنی بر معیارهای چهارگانه جامع و مانع بودن و ارتباط درونی و

بیرونی طی خواهد شد.

۲. یافته‌های تحقیق و بحث و تحلیل

یافته‌های تحقیق حاضر در زمینه ریزساختارهای ده‌گانه بر اساس الگوی ارائه شده، بدین قرار است:

۲-۱. ارزیابی عنوان کتاب

عنوان «منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر عَلَيْهِ السَّلَام»، عنوانی است کوتاه، مسجع و سلیس که مطالب و محتوای کتاب را نشان می‌دهد؛ لیکن با دقت در این عنوان، درمی‌یابیم «فی» به «الأثر» متعلق است و این، در حالی است که دو بخش شدن عنوان، یعنی «منتخب الأثر» و «فی الإمام الثانی عشر»، به دلیل رعایت سجع این نکته را بازگو می‌کند که گویی «فی» به «منتخب الأثر» متعلق است. لذا برای رفع این کاستی پیشنهاد می‌شود عنوان همان «منتخب الأثر» باشد و زیر عنوان به «فی أحادیث الإمام الثانی عشر» تغییر یابد؛ هرچند اشکال مذکور با توجه به این که عنوان جا افتاده است، قابل مسامحه است.

۲-۲. ارزیابی ساختار صفحات آغازین و مقدمه کتاب

مشخصات صفحات آغازین پیش از مقدمه کتاب در ۳ جلد و مقدمه جلد ۱ و ۲ عبارت است از: ۲-۲-۱. صفحات آغازین پیش از مقدمه کتاب که به مشخصات، بسم الله و ... اختصاص یافته، دچار آشفتگی است و صفحه شناسنامه غیر هنرمندانه در جای نامناسب صفحه قرار گرفته و صفحه بسم الله در جلد نخست بعد از صفحه دعای فرج قرار گرفته است.

۲-۲-۲. مقدمه در جلد نخست کتاب بعد از آغاز سخن، با اشاره به موضوع کتاب (براعت استهلال) در بند آغازین مقدمه، بر سه محور متمرکز است: ۱. ضرورت اعتنا به احادیث؛ ۲. نقد نگرش فلسفی به آموزه‌های دینی؛ ۳. سخنی اجمالی در سند و متن احادیث الخلفاء الإثنی عشر. گویی این سه، برای تبیین ضرورت تدوین کتاب حاضر، به ویژه ناظر به محتوای مجلد نخست آن (صافی، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۱۴-۱۵) به نگارش در آمده‌اند.

۲-۲-۳. مؤلف محترم در مقدمه جلد دوم که در واقع درآمدی بر جلد دوم و سوم است، عمدتاً



به بیان ویژگی ممتاز این کتاب که عبارت است از تبیین تواتر احادیث هر یک از فصول کتاب، پرداخته و در این زمینه نکات سودمندی ذکر کرده است.

تمامی سه مطلب ذکرشده در مقدمه جلد اول و دوم، به بحث دراز دامن و طرح و تحلیل دیدگاه‌ها نیاز دارد و دلایل رقیب و نقد و ارزیابی آن‌ها را می‌طلبد که روشن است این‌همه، نه در مقدمه می‌گنجد و نه مقدمه جای طرح آن است. البته ذکر ضرورت بازگشت به آموزه‌های احادیث معتبر اسلامی که در مقدمه جلد یکم آمده است، یکی از دلایل نگارش این کتاب می‌تواند باشد؛ لیکن در این زمینه نیز مقدمه همچنان طولانی است.

به نظر می‌رسد، افزون بر ضرورت صفحه‌آرایی زیبا و هنرمندانه آغازین پیش از مقدمه کتاب، ذکر دلیل نگارش کتاب به صورت واضح و کوتاه و نیز گزارش مختصر ابواب و فصول و محتوای کتاب؛ از اموری است که باید در مقدمه جلد اول یکجا ذکر می‌شد و افزون بر این، می‌بایست در مقدمه جلد اول، به پیشینه تألیف و به‌ویژه گزارش کوتاهی از ویژگی‌های بارز کتاب که در مقدمه جلد دوم آمده است و امتیازهای تألیف حاضر بر سایر، بلکه تمامی کتاب‌هایی که در این زمینه نگاشته شده‌اند؛ پرداخته می‌شد و مقدمه جلد دوم به کلی حذف می‌گردید.

۲-۳. ارزیابی ساختار باب‌های کتاب

کتاب منتخب الأثر دارای ۱۱ باب است و امتیازهای ساختاری ابواب یازده‌گانه کتاب حاضر را در نکات زیر می‌توان سامان داد:

۲-۳-۱. ساختاربندی روایات در ابواب نامبرده و تقسیم موضوع عام هر باب به مسائل متعدد که هریک مسئله خاصی از موضوع عام را دربر می‌گیرد؛ شاخص‌ترین امتیاز این کتاب به شمار می‌آید. این کار افزون بر این که از اتلاف وقت پژوهشگران جلوگیری می‌کند، در هر مسئله استفاضه، بلکه به نظر مؤلف محترم در مواردی تواتر معنوی یا اجمالی احادیث را به ارمغان آورده است (همان، ج ۳، ص ۴۳۰).

۲-۳-۲. ابواب ۱۱ گانه کتاب حقیقتاً دارای چینش منطقی است؛ در دو باب اول و دوم با رویکرد کلامی برای سایر ابواب مقدمه سازی شده است. در سایر ابواب، از باب ۳ تا ۱۰، با رویکرد تاریخی به تبویب احادیث مربوط به شخص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقدام و فقط در باب ۹ به حالات



و ویژگی‌های یاران و یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف پرداخته شده است و در باب ۱۱، به اموری که با رویکرد تاریخی به شخص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و یاران و یاوران او مربوط نمی‌شود، بلکه به تکذیب حضرت و نیز وظایف مردم در زمان غیبت ارتباط دارد؛ پرداخته شده است.

۲-۳-۳. جدا از برخی نقدها که در ادامه بدان اشاره خواهد شد، کتاب حاضر در بردارنده عمده روایات مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است.

با بررسی ساختار ابواب کتاب، کاستی‌های زیر نمایان است:

۲-۳-۴. عنوان گذاری باب‌ها دارای کاستی‌های متعدد است:

یک. نامتناسب بودن عناوین از جنبه کوتاهی و بلندی عبارات؛

دو. نامشخص و ناگویا بودن، بلکه بی‌عنوان بودن باب ۱۱ با درج عبارت «و فيه ستة فصول» (همان، ص ۱۹۷)؛

سه. فقدان کلمات کلیدی جامع و در نتیجه آشفتگی و تطویل عناوین، به جز در سه باب ۷، ۸ و ۹؛

چهار. ناهمگونی در عبارات آغازین عناوین باب‌ها، به گونه‌ای که دو باب نخست با عبارت «الأحاديث الناصّة علی» آغاز و برخی ابواب با «فیما» آغاز شده‌اند که با اختصار دقیقاً مفاد عبارت «الأحاديث الناصّة علی» را می‌رساند و برخی ابواب با «فی»، بدون «ما»ی موصول که اشاره به روایات و احادیث است، آمده‌اند.

۲-۳-۵. مطالب ابواب در مقایسه با یکدیگر ناموزون‌اند؛ به گونه‌ای که برخی ابواب دارای فصل‌های بسیار بیش‌تر از ابواب دیگر هستند. این کاستی در مواردی با توجه به رعایت چینش منطقی و کلامی و تاریخی پیش‌گفته باید نادیده انگاشته شود؛ لیکن مواردی مانند باب ۹ که ۵ صفحه (همان، ص ۱۷۵-۱۸۰)، و باب ۱۰ که ۱۰ صفحه (همان، ص ۱۸۱-۱۹۶) را به خود اختصاص داده‌اند؛ واقعاً قابل چشم‌پوشی نیستند.

۲-۳-۶. افزون بر این، باب ۱۱ حقیقتاً دچار کمبود داده‌ها و روایات در زمینه وظایف مردم در زمان غیبت است؛ با وجود این که گردآوری و تدوین و تبویب و فصل‌بندی این دسته از روایات از منابع روایی برای مؤلف فراهم بوده و می‌توانسته است وظایف مردم در زمان غیبت را با تجزیه بیش‌تر به فصل‌های متعدد تقسیم کند و ذیل هر کدام احادیث فراوانی از جوامع روایی شیعی



بنگارد؛ چنان که نگارندگان متقدم شیعی به این کار اقدام کرده‌اند. لیکن مؤلف محترم با وجود توجه به این نکته (همان، ص ۲۱۹، پاورقی ۱)؛ به گزینش اقدام کرده است و در این زمینه، این عذر که غالب منابع این بخش شیعی است، ناموجه است و با این پاسخ مواجه می‌شود که اتفاقاً در فصل‌های ۶ گانه باب ۱۱، نگارنده به جز چند روایت انگشت شمار عامه، روایات شیعه را ذکر کرده است.

با نگاه پیشنهاد محور، به نظر می‌رسد به لحاظ این که عمده محتوای ابواب کتاب را احادیث تشکیل می‌دهند، ذکر «ما» بعد از «فی» در آغاز عناوین تمامی باب‌ها بایسته است و این عبارت علاوه بر این که از «الاحادیث الناصّة علی» کوتاه‌تر است، کاستی «فی» بدون «ما» را ندارد. افزون بر این، برای حل کاستی‌های گذشته، تجزیه باب‌های دارای فصول بسیار به ابواب متعدد و نیز تفکیک فصل ۱ باب ۱۱ از آن و گنجاندن امور مشابه با فصل ۱ از باب ۱۱ در ضمن باب جداگانه و نیز تکثیر فصول مربوط به وظایف مردم در زمان غیبت در ضمن ابواب متعدد که هرکدام دارای چندین فصل خواهد بود؛ بر ارزش ساختاری کتاب خواهد افزود.

اما پیشنهاد اساسی و محتوایی نگارنده این جستار بر تقسیم احادیث مهدویت، به ۳ گروه عمده: احادیث غیبت، ظهور و رجعت، در یک طبقه‌بندی کلی احادیث است که ۳ باب را تشکیل می‌دهند و هریک به اعتبار رویکرد تاریخی، کلامی و ... دارای فصول متعدد با چینش منطقی خواهد بود، که متأسفانه به احادیث باب رجعت و همان‌گونه که اشاره شد، به احادیث غیبت، کم‌ترین عنایت شده است.

۲-۴. ارزیابی ساختار فصل‌های کتاب

در ادامه به لحاظ این که هرکدام از باب‌ها، دارای فصول متعدد است و هر یک از باب‌ها از جنبه ساختارشناسی فصول، بحث جداگانه‌ای می‌طلبد؛ بررسی ساختارشناسی هر فصل به‌طور جداگانه پیگیری خواهد شد.

۲-۴-۱. ساختار فصل‌های باب ۱ و ۲

با توجه به نکته‌ای که در ادامه خواهد آمد، باب ۱ و ۲ را یکجا مطرح می‌کنیم. ساختارشناسی مربوط به ملحقات باب دوم در بخش جداگانه و یکجا با ملحقات جلد سوم مطرح خواهد شد؛



اما این دو باب متأسفانه فاقد فصل‌بندی هستند. اتفاقاً نقص عمده این دو باب، آن است که در باب نخست، ۱۴۸ حدیث و در باب دوم، ۱۶۲ حدیث؛ یعنی مجموعاً ۳۱۰ حدیث در دو باب بدون هیچ‌گونه فصل‌بندی داخلی، جای داده شده‌اند؛ گرچه مؤلف، خود متوجه این کاستی شده و در بخشی از ملحقات باب دوم با عنوان «الفهرس للأحادیث الناصّة علی أنّ الأئمّة و الخلفاء و النقباء و الأوصیاء و ... اثنا عشر حسب مضامینها و مدالیلها» (همان: ج ۱، ص ۳۰۴-۳۰۶)؛ به تقسیم‌بندی محتوایی این دو باب اقدام کرده است.

به نظر می‌رسد با توجه به عنوان‌های پیشنهادی نگارنده این پژوهش و نیز با توجه به ارجاع‌های مؤلف کتاب (همان، ص ۳۰۴-۳۰۶) - البته با رعایت عدم تکرار روایات و گنجاندن روایت در مناسب‌ترین فصل - مجموع روایات باب ۱ و ۲ فصل‌بندی و در ضمن چندین باب (نه ۲ باب) عرضه شود. افزون بر زیر سازه‌هایی که مؤلف محترم گوشزد کرده است (همان)، بیانات مؤلف در چند مورد از کتاب نیز می‌تواند راهنمای عملی تدوین مجدد به شمار آید (همان، ص ۱۰۱، پاورقی ۱؛ ص ۲۵۸-۲۵۹؛ ۲۶۰-۲۶۱ و ۲۷۵-۲۷۶).

۲-۴-۲. ساختار فصل‌های باب ۳

ویژگی‌ها و امتیازهای ساختار فصل‌های باب ۳ را به صورت زیر می‌توان گزارش کرد:
 ۲-۴-۲-۱. یکی از محاسن این باب، مانند بسیاری از ابواب کتاب به جز باب ۱ و ۲؛ تقسیم‌بندی باب به فصل‌های متعدد است. دست‌کم برخی، بلکه بسیاری از عناوین فصل‌ها ابتکار مؤلف به شمار می‌آیند و تا زمان نگارش این کتاب سابقه نداشته‌اند؛ به این معنا که احادیث مربوط به هر یک از عنوان‌های فصل‌ها، پیش از او در ضمن احادیث دیگر و ذیل عناوین کلی ذکر می‌شد و تمرکز بر عنوان جدید ابتکار نگارنده است.

۲-۴-۲-۲. از دیگر امتیازات این باب، مانند بسیاری از ابواب کتاب، به جز باب ۱ و ۲، ساختاربندی، چینش و ترتیب منطقی بین فصول داخلی هر باب است. البته این امتیاز، یک امتیاز حداکثری و نه همیشگی است که در موارد عدم رعایت این نکته تذکر داده خواهد شد.

۲-۴-۲-۳. یکی از ویژگی‌های فصل‌های این کتاب، آن است که شماره احادیث مورد استفاده در هر فصل، بعد از عنوان فصل گذاشته شده است و این نکته جز در موارد اندک شمار (مانند



فصل ۱ از باب ۳)، که ظاهراً از دید نگارنده خارج شده است، در تمامی فصل‌ها رعایت شده است. پشتوانه این درج شماره به ابتکار ویژه این کتاب برمی‌گردد که درصدد است در هر فصل تعداد احادیث را به اندازه‌ای برساند که به معیار تواتر و حصول اطمینان از صدور و قطع و یقین به آن حاصل گردد.

به نظر می‌رسد نکات زیر را می‌توان در مقام ارزیابی از کاستی‌های ساختاربندهی فصول باب ۳ این کتاب برشمرد:

۲-۴-۲-۳-۱. متأسفانه تعداد فصل‌های باب ۳ بسیار است و از دو لحاظ این فراوانی کاستی به شمار می‌آید؛ هم از لحاظ ناسازگاری درونی بین فصل‌ها و گنجانده شدن با تکلف این همه فصل در یک باب، و هم از جنبه مقایسه بیرونی با سایر ابواب که دارای فصل‌های اندک هستند و بر اثر آن، توازن بین فصل‌ها و در نتیجه توازن بین ابواب برقرار نشده است.

۲-۴-۲-۳-۲. فصل ۱، به طور مستقل یک باب است و همان‌گونه که مؤلف محترم اشاره کرده است (همان: ج ۲، ص ۲۰)؛ پیش از مؤلف، برخی نویسندگان، کتاب‌هایی را که صرفاً دربردارنده احادیث تفسیری مربوط به آیات مهدویت‌اند، در یک مجموعه گردآوری کرده و در این زمینه به تألیف دست زده‌اند. افزون بر این، مطالب این روایات اگرچه در مورد اصل ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع است؛ مناسب‌ترین جایابی برای بیش‌تر این روایات، داده ویژه‌ای است که روایت در مورد آن صادر شده و تمرکز روایت بر آن است. بنابراین، نه آن بخش از عنوان باب که به این روایات مربوط است - و مؤلف با عبارت «ما يدل على ظهور المهدي» بدان اشاره کرده است (همان، ص ۱۹) -؛ جامع افراد و مانع اغیار است، و نه عبارت عنوان باب، با عبارت عنوان فصل - «في ذكر بعض الآيات المبشرة بظهوره عليه السلام أو المؤولة ببعض ما هو من علائم ظهوره، و ما يقع قبل ذلك و حينه و بعده» (همان، ص ۲۰) - سازگار است؛ بلکه بین عنوان باب و عنوان فصل نسبت «عموم و خصوص من وجه» برقرار است.

۲-۴-۲-۳-۳. واژه «البشارة» و «المبشرة» در عنوان باب ۳ و باب ۱ و ۲، موضوعیت ندارد، بلکه طریق برای اصل ظهور است و لذا تأکید بر این دو واژه غیرموجه و لزوم ساخت بابی تحت عنوان روایات مربوط به اصل ظهور ضروری خواهد بود.

۲-۴-۲-۳-۴. دو فصل ۱ و ۲ را نیز اگر ناموزون ندانیم و هم‌جنس بدانیم؛ روایات و عناوین

فصل‌های ۳ و ۴ و فصل‌های ۶ تا ۲۵ دارای اتحاد موضوعی از جنبه گنجایش در یک باب هستند و همه زیرمجموعه نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می‌آیند و به روشنی، هم از نظر تعداد و هم از نظر تعدد محتوا که فصل‌بندی را هموار می‌کند، توان گنجایش در باب مستقل را دارا هستند.

۲-۴-۲-۳-۵. ادامه فصول این باب نیز بسیار آشفته و پریشان است؛ فصل ۵ در مورد شمایل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و فصل ۲۶ در زمینه ویژگی‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پساظهور است؛ فصل‌های ۲۷ تا ۳۰ و نیز فصل ۴۸ در مورد غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ فصل‌های ۳۱ تا ۳۳ در مورد شمایل و خصوصیات و ویژگی‌های حضرت هستند؛ فصل‌های ۳۴ تا ۴۷ و دو فصل ۴۹ و ۵۰ در مورد ویژگی‌های پساظهور حضرت می‌باشند و روایات فصل ۵۱ به روشنی در زمینه اواخر غیبت و از علائم پیشاظهورند.

۲-۴-۲-۳-۶. اگر عنوان باب را با توضیحی که از تجزیه و تحلیل فصل‌ها ارائه شد، مقایسه کنیم، درمی‌یابیم نه‌تنها عنوان، دربردارنده و جامع تمامی محتویات عناوین فصول نیست، بلکه عنوان خود از لحاظ چینش مطالب و جامع‌گیری دچار پریشانی است و دلیل آن، ذکر واژه «البشارة به عجل الله تعالی فرجه الشریف» در پایان عنوان است: «ما يدل على ظهور المهدي و أسمائه و أوصافه و خصائصه و شمائله و البشارة به عجل الله تعالی فرجه الشریف».

پیشنهاد نگارنده این مقاله آن است که باب ۳ به چندین باب مستقل تفکیک شود؛ به‌گونه‌ای که هر یک از عناوین، ابواب مطالب فصل‌های دربردارنده مطالب زیر را پوشش دهد:

یک. روایات مربوط به اصل ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

دو. احادیث تفسیری مربوط به آیات مهدویت؛

سه. احادیث مربوط به نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

چهار. روایات مربوط به شمایل و خصوصیات و ویژگی‌های شخصی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

پنج. احادیث مربوط به غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

شش. روایات مربوط به علائم آخرالزمان؛ که گویی اساساً در کتاب حاضر ذکر نشده‌اند؛ اما با توجه با تفاوت احادیث علائم آخرالزمان، و علائم پیشاظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات و خلط اکثر افراد میان این دو و نیز تشابه این دودسته احادیث در برخی موارد؛ شایسته است بابی مستقل به روایات مربوط به علائم آخرالزمان اختصاص یابد؛



هفت. احادیث مربوط به علائم پیشاظهر امام مهدی علیه السلام؛

هشت. روایات مربوط به ویژگی‌های پساظهر امام مهدی علیه السلام.

این پیشنهاد در حد پیشنهاد ابتدایی و راجع به ساختارشناسی خصوص باب ۳ است و لذا برای رفع تداخل و لزوم ادغام داده‌های هر یک از فصل‌های ابواب، به جمع بندی نهایی نیاز است.

۲-۴-۳. ساختار فصل‌های باب ۴

مؤلفه قوت این باب آن است که عنوان باب، مطالب تمامی فصل‌های این باب را در بردارد. مقایسه فصل‌های این باب با باب ۳، به وضوح گویای تداخل موضوعی مجموع روایات سه فصل این باب، حداقل با فصل ۳۳ از باب ۳ می‌باشد و علاوه بر این، مجموع سه فصل باب ۴، به اضافه فصل ۳۳ باب ۳ و نیز فصل‌های مربوط به روایات مربوط به تاریخ ولادت و ماجراهای مرتبط به آن از ابواب دیگر، قابلیت گنجایش در باب ۴ را دارد.

۲-۴-۴. ساختار فصل‌های باب ۵

عنوان این باب همانند باب پیشین، به روشنی دربردارنده مطالب تمامی فصل‌های این باب است.

کاستی روشن باب، طولانی بودن آن است و پیشنهاد مشخص نگارنده، پی‌جویی عنوانی جامع و کوتاه برای باب ۵، حداقل به اندازه عنوان باب ۶ است.

۲-۴-۵. ساختار فصل‌های باب ۶

باب ۶ نیز کوتاه و دارای ۲ فصل است و عنوان باب همانند باب پیشین، به روشنی دربردارنده مطالب تمامی فصل‌های این باب است.

با وجود کوتاهی عنوان این باب نسبت به باب پیشین، کاستی روشن باب طولانی بودن آن است و پیشنهاد مشخص نگارنده پی‌جویی عنوانی جامع و کوتاه‌تر است.

۲-۴-۶. ساختار فصل‌های باب ۷

عنوان باب، بیش‌تر عناوین فصل‌ها را پوشش می‌دهد.



با تأمل در عنوان و مقایسه با محتوای روایات فصل‌های زیر مجموعه آن، روشن می‌گردد که اگر چه عنوان باب تمامی فصل‌های ۲ تا ۷ را پوشش می‌دهد؛ فصل‌های ۸ تا ۱۱، به روشنی از تحت پوشش عنوان باب «علائم ظهور و ما یكون قبله» بیرون است؛ زیرا باب ۸ اساساً نه در مورد مسئله تکوینی خارجی که در بردارنده حکم تکلیفی شرعی است و فصل‌های ۱، ۹، ۱۰ و ۱۱، نه در مورد علائم و نشانه‌ها که گویای ویژگی‌های جغرافیایی، مکانی، زمانی و چگونگی ظهور و... است.

پیشنهاد مشخص نگارنده تقسیم این باب به دو باب، یکی با عنوانی مشابه «علائم ظهور و ما یكون قبله» با زیرمجموعه فصل‌های ۲ تا ۷ و باب دیگری با عنوانی مانند «کیفیه ظهور عَلَيْهِ» با زیرمجموعه فصل‌های ۱ و ۸ تا ۱۱ می‌باشد.

۲-۴-۷. ساختار فصل‌های باب ۸

عنوان باب «فیما یكون بعد خروجه»، تمامی عناوین فصل‌ها را بلااستثنا پوشش می‌دهد. ساختار این باب را می‌توان در نکات ذیل به نقد کشید:

۲-۴-۷-۱. ترتیب درونی چینش فصل‌های ۱۳ گانه این باب را با هیچ منطقی نمی‌توان توجیه کرد؛ زیرا اگر قرار بر ذکر وقایع به ترتیب تاریخی و زمان وقوع پدیده‌ها باشد؛ قطعاً مسئله سفیانی و دجال بر تمام وقایع مقدم است؛ زیرا چنان که در دو باب ۶ و ۷ از باب پیشین گذشت؛ امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از پیش از ظهور با این دو شخص درگیر است و از دو فصل ۹ و ۱۰ باب مورد بحث مشخص می‌گردد که درگیری با آن دو، تا بعد از ظهور ادامه دارد و با کشته شدن آن‌ها مسئله خاتمه می‌یابد.

۲-۴-۷-۲. نیز بر اساس روایات فصل ۸، مسئله نزول حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و اقتدا به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در نماز، جزو نخستین وقایع پس‌از ظهور می‌باشد (همان، ج ۳، ص ۱۵۸).

۲-۴-۷-۳. افزون بر این، مسائل مطرح شده در فصل‌های ۱، ۲، ۶ و ۷ قطعاً به گذر زمان نیاز دارد؛ چرا که بر اساس روایات همین فصل‌ها، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام با گذر زمان و به تدریج، تمامی کره خاکی را فتح می‌کند و تمامی پیروان ادیان دیگر و نیز مشرکان، دین اسلام را می‌پذیرند و همه ساکنان کره زمین از شرق و غرب به اسلام می‌گرایند. مسئله پر شدن زمین از عدل و داد نیز



طبیعتاً بعد از مرور زمان رخ می‌دهد. بنابراین، این فصل‌ها باید جزو فصل‌های پایانی این باب باشند.

۲-۴-۷-۴. نیز به روشنی فصل ۵ این باب با باب ۹ که در ادامه خواهد آمد، تداخل موضوعی دارد و در مورد یاران و یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۲-۴-۷-۵. به لحاظ تناسب موضوعی، برخی از فصل‌ها باید در کنار هم ذکر می‌شدند؛ مانند فصل‌های ۱، ۲ و ۶ که اشاره شد و فصل‌های ۳، ۴ و ۱۱ که همگی در زمینه بیان وفور نعمت‌های مادی زمینی و آسمانی اتحاد موضوعی دارند.

درج فصل ۵ جزو فصل‌های باب آینده و رعایت چینش فصل‌ها به ترتیب تاریخی و نیز ترتیب از کلی به جزئی و یا اساساً تجزیه این باب به دو باب که یکی دربردارنده پدیده‌های آغازین پساظهور و باب دیگر مشتمل بر پدیده‌های زمان‌بر پساظهور باشد؛ پیشنهادهای موجهی می‌تواند تلقی شود.

۲-۴-۸. ساختار فصل‌های باب ۹

عنوان باب محتوای هر دو فصل را پوشش می‌دهد.

با توجه به نکته پیش‌گفته در ساختارشناسی باب ۸، بایسته است فصل ۵ از باب پیشین در این باب درج شود. گذشته از این، به لحاظ این که بخشی از عنوان فصل ۵ از باب ۸ «بعض فضائلهم» است، از جنبه موضوعی، در فصل ۱ باب حاضر که عنوان آن «فی فضائلهم» است، می‌گنجد. لذا اگر محتوای روایات فصل ۵ از باب ۸ چیزی به جز تعداد یاران حضرت باشد، شایسته است آن دسته از روایات در فصل ۱ باب ۹ ادغام شوند. به خصوص در این صورت، بلکه اساساً به‌طور کلی، به لحاظ این که عنوان باب ۹ «فی حالات أصحابه و أنصاره»، اساساً فضایل و تعداد یاران و یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نشان نمی‌دهد، بلکه فقط در مورد حالات آنان است؛ باید در پی عنوانی جامع مناسب برای این باب بود.

۲-۴-۹. ساختار فصل‌های باب ۱۰

عنوان باب، تمامی عناوین فصل‌ها را در یک عبارت طولانی در بر دارد.

فصل ۱، فصلی مستقل است؛ ولی مفاد روایات فصل ۲ با فصل ۴۳ از باب ۳ تداخل آشکار

دارند. نیز فصل ۳ عنوانی است بسیار عام که گویای مطابق با مضامین روایات این فصل نیست و گذشته از این، عبارت «ما يدعو إليه و يعمل به»؛ یعنی مضمون آموزه‌هایی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بدان دعوت و عمل می‌کند، مصادیق فراوانی را شامل می‌شود که در ضمن فصل بسیاری از کتاب حاضر در ضمن باب ۳ و غیر آن ذکر شده است. بنابراین، پیشنهاد روشن، ادغام فصل ۳ با فصل ۴۳ از باب ۳ و ادغام فصل ۳ در باب‌های مناسب و گنجاندن فصل ۱ در ضمن باب لازم التأسیس مستقل می‌باشد.

۲-۴-۱۰. ساختار فصل‌های باب ۱۱

عنوانی برای باب ۱۱ ذکر نشده است.

فصل اول باب ۱۱ در مقایسه با دیگر فصول نامتجانس است و ناهماهنگی محتوایی دارد؛ زیرا فصل اول باب ۱۱ در مورد تکذیب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و فصل ۲ الی ۶ در زمینه وظایف مردم در زمان غیبت است که هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند. لذا همان‌گونه که در ساختارشناسی ابواب گفته شد، پیشنهاد می‌شود فصل مذکور از آن جدا شود و همراه با امور مشابه با فصل مذکور، در ضمن باب جداگانه گنجانده شود و نیز فصول مربوط به وظایف مردم در زمان غیبت در ضمن ابواب متعدد که هرکدام دارای چندین فصل خواهد بود، تکثیر و به باب افزوده شود.

۲-۵-۵. ارزیابی ساختار ملحقات

کتاب منتخب الأثر دارای دودسته ملحقات در انتهای جلد ۱ و ۳ کتاب است که در ادامه جداگانه به ساختارشناسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۵-۱. ساختار ملحقات جلد ۱ و باب ۲

مؤلف محترم در پایان جلد ۱ و باب ۲، به نگارش ۴ ضمیمه دست زده است:

۲-۵-۱-۱. نخست ضمن بحث علمی عالی به تبیین مفاد و مصداق و شبهه زدایی از احادیث خلفای ۱۲ گانه پرداخته است؛

۲-۵-۱-۲. سپس برای مضمون پاره‌ای از نکات که در ضمن کتاب در پانوشت‌ها، بحث علمی کرده، ذیل عنوان «بعض المطالب المهمة من المجلد الأول من منتخب الأثر» فهرست کوتاهی



فراهم کرده است؛

۲-۵-۱-۳. آن‌گاه، همان‌گونه که پیش‌ازاین اشاره شد، ذیل عنوان «الفهرس للأحادیث الناصّة علی أنّ الأئمة و الخلفاء و النقباء و الأوصیاء و ... اثناعشر حسب مضامینها و مدالیلها»، مضمون احادیث خلفای ۱۲ گانه را به ریز مضمون‌های متعدد تقسیم و با تعیین دقیق شمارگان احادیث مشخص کرده است؛

۲-۵-۱-۴. سرانجام، تحت عنوان «تنبیه مهم» به ویژگی و امتیازهای چاپ ۳ جلدی کتاب، افزون بر چاپ تک‌جلدی، به بحث علمی کوتاهی در زمینه شیوه اعتبار سندی احادیث کتاب، از طریق تحلیل فهرستی و وثوق به کتاب‌های روایی درجه اول پرداخته است (همان، ج ۲، ص ۳۰۷)؛ که واقعاً نوآورانه است.

به نظر می‌رسد اگر هرکدام از این مباحث علمی، در پایان فصل مربوط به احادیث مندرج در متن، نه در پانوشت و نه در ضمائم صورت می‌گرفت؛ بهتر در دسترس خواننده بوده و فهم مباحث را تسهیل می‌کرد. نیز شایسته است مطالب مربوط به کل روایات که در واقع استدراکی بر مقدمه کتاب است؛ در مقدمه جلد آورده شود.

۲-۵-۲. ساختار ملحقات جلد ۳

مؤلف در پایان جلد ۳، ۶ ضمیمه آورده است که ۴ ضمیمه نخست، هر کدام یک رساله کوتاه مستقل در موضوع خود است که آکنده از نکات علمی برای رفع چالش محتوایی و سندی از موضوعات خاص مهدویت است و ضمیمه بعدی، در واقع یک فصل جامانده است با عنوان «باب بعض القابه الشریفة» که در پایان جلد ۳ آورده شده است و ضمیمه ۵ استدراکی دیگر که بخشی است جا افتاده از فصل ۶ از باب ۳ که در این جا افزوده شده است.

لزوم گنجانیدن دو ضمیمه در جای خود در ساختار کتاب در چاپ‌های بعدی ضروری است و همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، شایسته است هر کدام از مباحث علمی که ۳ ضمیمه را تشکیل می‌دهد، در پایان فصل مربوط به احادیث مندرج در متن، نه در پانوشت و نه در ضمائم قرار گیرد.



۲-۶. ارزیابی پیکربندی عناوین

یکی از محاسن کتاب مذکور، تعدد عناوین و دقت در تطابق عنوان و معنون در عناوین باب‌ها و فصل‌ها است؛ به گونه‌ای که برای ریزترین آموزه از آموزه‌های مهدویت، فصلی اختصاص یافته و عنوان ریز برای آن ساخته شده است.

از آن‌جا که از سویی در زمینه ساختار عنوان‌های باب‌ها و برخی فصل‌ها نکاتی پیش از این ذکر شد و از سوی دیگر تحلیل انتقادی یکایک عنوان‌های فصل‌ها، نگاشته‌ای درازدامن و طولانی می‌طلبد (که این جستار گنجایش آن را ندارد) به چند نکته بسنده می‌شود.

۲-۶-۱. حتی‌المقدور عناوین باید جامع مطالب فصل‌ها باشند، نه این که اگر مطالب خود فصل‌ها، مثلاً دارای ۳ آموزه است، هر سه در عنوان فصل ذکر شوند؛

۲-۶-۲. در مواردی، ادغام برخی باب‌ها و فصل‌ها و یا تفکیک باب‌ها و فصل‌ها، ادغام و تفکیک عنوان‌ها را باید به دنبال داشته باشد؛

۲-۶-۳. ساختن عنوان برای باب‌ها و فصل‌هایی که نگارنده این جستار در ضمن این مقاله آن‌ها را پیشنهاد داده است، به عنوان جدید نیاز دارد.

۲-۷. ارزیابی پیکربندی بندها

متن کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود: اول، متن احادیث و دوم، بیانات و توضیحات علمی مؤلف محترم. لذا به ترتیب، توجه به دو نکته شایسته است:

۲-۷-۱. در زمینه نخست، از آن‌جا که بیش‌تر متن کتاب حاضر را احادیث تشکیل می‌دهند، در مواردی که روایات کوتاه هستند، مؤلف کتاب ناگزیر و به درستی هر روایت را در یک بند مستقل آورده است و در مورد روایات نسبتاً طولانی، متن روایات در بیش از یک بند آورده شده‌اند و در این بخش، گاه بندها بسیار طولانی هستند.

۲-۷-۲. بخش خود نگاشته‌های مؤلف کتاب، خواه نگاشته‌های بعد از هر فصل برای ارجاع به روایات دیگر، و خواه بیانات علمی برای تبیین و شبهه زدایی‌ها و نیز خود نگاشته‌های مؤلف در پانویس برای ارجاع و یا تبیین و نیز نگاشته‌های مؤلف در ضمائم و ملحقات، جز در موارد اندک که به تجدیدنظر در بندسازی و پاراگراف بندی نیاز دارد، عمدتاً بسیار منطقی و عالمانه و



فنی عمل شده است.

۲-۸. ارزیابی ساختار ارجاع دهی و پاورقی‌ها

یکی از شاهکارهای کتاب منتخب الأثر، اصالت در ارجاع به منابع دست‌اول فریقین است. نیز دقت و امانت‌داری در ارجاع و امتیاز و همچنین تعدد در ارجاع می‌باشد؛ خواه در پانویس، خواه در پایان هر فصل، که سخن در رعایت هر یک از این ۳ معیار فرصت نگارش دیگر را می‌طلبد. باوجود این که روال مؤلف محترم بهره‌گیری از روش ارجاع در پانویس است؛ متأسفانه برخی ارجاع‌ها، خواه در متن روایات و خواه در بیانات مؤلف، در داخل متن و از نوع ارجاع داخلی است، که شایسته است این نوع ارجاع‌ها و نیز برخی از موارد، مانند نسخه‌بدل همچون سایر ارجاع‌ها به منابع در پانویس درج و وحدت رویه رعایت گردد.

پیشنهاد مشخص دیگر نگارنده جستار حاضر این است که در هر فصل، بعد از ذکر متن روایات اصلی هر فصل، که مؤلف برای پرهیز از تطویل متن روایات را نیاورده و در روایات شاهد، به ارجاع دهی داخلی و درج شماره روایات در داخل کتاب از فصل‌های دیگر بسنده کرده است؛ تک یا چند جمله مورد استناد در کنار شماره‌ها در داخل گیومه درج شود. این کار افزون بر این که مضرات تقطیع و نیز نقل تکراری و خسته‌کننده متن کل روایات را ندارد؛ به‌طور مختصر مضمون را در اختیار خواننده می‌گذارد و زحمت مراجعه‌های مکرر به فصل‌های دیگر را می‌کاهد و افزون بر این، راهنمای خواننده در انتخاب متن مورد استشهاد خواهد بود؛ وگرنه با وضعیت موجود کتاب، باید خواننده، با زحمت طاقت‌فرسا کل متن تمامی روایات مورد استشهاد را در فصل‌های دیگر ببیند تا چه بسا یک یا چند جمله را در داخل هر متن طولانی بیابد و سرانجام دقیقاً معلوم نگردد که آیا همین جمله یا جملات مورد استناد و استشهاد مؤلف محترم بوده است یا نه.

در این زمینه، ذکر نام کتاب‌ها در آغاز نقل روایات، نه‌تنها ضروری نیست، بلکه لزوم مالا یلزم خواهد بود. نیز در این مورد، درج شماره پانویس برای ارجاع در پایان هر روایت به‌جای آغاز روایت و درج علائم سجاوندی است. صحیح و طبق موازین نقطه‌گذاری برای ارجاعات (اعم از فاصله بین کتاب‌ها، صفحات و روایات) کاستی است که تقریباً بر اساس هیچ معیاری انجام نگرفته است.



۲-۹. ارزیابی ساختار کتاب‌نامه

تدوین دو کتاب‌نامه در پایان جلد ۱ و جلد ۳، گویای تتبع طاقت‌فرسای مؤلف محترم است. مؤلف در کتاب‌نامه پایان جلد ۱، با شماره‌گذاری، ۱۷۰ منبع را به‌عنوان منابع و مآخذ جلد ۱، و در کتاب‌نامه پایان جلد ۳، با شماره‌گذاری، ۳۹۰ منبع را به‌عنوان منابع و مآخذ جلد ۲ و ۳ معرفی کرده است (همان، ج ۱، ص ۳۱۳ و ج ۳، ص ۴۴۹). عمدتاً منابع روایی فریقین هستند و مؤلف بزرگوار به‌طور همسان و حداکثری، از منابع فریقین بهره‌گرفته؛ اما در بیان مشخصات کتاب‌ها به‌جز در موارد خاص به داده‌های حداقلی بسنده کرده است؛ لیکن از همین دو فهرست به‌ظاهر قدیمی و غیر مدرن، افزون بر نکات متعدد، مانند کثرت منابع، دست‌اول بودن منابع، استفاده از منابع فریقین و بلکه تعدد منابع اهل تسنن از منابع شیعه؛ برمی‌آید که نگارنده به‌جز در چند مورد که به نقل با واسطه تصریح دارد، همه منابع و تک‌تک روایات را مشاهده و همه را بدون واسطه از منبع اصلی نقل کرده است.

با مطالعه تطبیقی و مقایسه کامپیوتری دقیق دو کتاب‌نامه مشخص گردید:

۲-۹-۱. تمامی منابع جلد ۱، به‌جز ۴ منبع (که عبارتند از: مسند ابی عوانة، فصل الخطاب لخواجه محمد پارسا، الفائق للزمخشری، راموز الأحادیث للکمشخانوی) در دو جلد ۲ و ۳ مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. بنابراین، مجموع منابع مجلدات ۳ گانه، ۳۹۴ منبع خواهند بود؛ لیکن این شماره‌گذاری دقیق نیست؛ مثلاً در جلد ۳، دو منبع، دو بار آمده‌اند؛ زیرا منبع شماره ۹۸ (تفسیر القرطبی - جامع أحكام القرآن لمحمد بن أحمد بن أبی بکر الأنصاری القرطبی، ۶۶۸ أو ۶۷۱)؛ همان منبع شماره ۱۲۲ (الجامع لأحكام القرآن لأبی عبد الله محمد بن أحمد الأنصاری القرطبی، المتوفی ۶۷۱ أو ۶۶۸) و منبع شماره ۱۰۶ (غرائب القرآن، تفسیر النیشابوری - غرائب القرآن)؛ همان منبع شماره ۲۳۰ (غرائب القرآن للحسن بن محمد النیشابوری الشهیر بالنظام، من علماء المائة التاسعة) است و موارد دیگر، که شماره‌گذاری را دچار اختلال کرده‌اند.

۲-۹-۲. متأسفانه در ذکر مشخصات منابع به کم‌ترین داده‌ها بسنده شده است؛ به‌جز اسم کتاب و نویسنده و تاریخ وفات نویسنده (در اکثر موارد) هیچ داده‌ای از تاریخ و زمان چاپ، تعداد مجلدات، ناشر و تعداد مجلدات و ... ذکر نشده است و در مواردی حتی اسم نویسنده (مانند جلد ۱، منبع ۲، منبع شماره ۲۱، منبع شماره ۳۵، منبع شماره ۵۱ و منبع شماره ۵۵) ذکر نشده است



(همان، ج ۱، ص ۳۱۳، ۳۱۶، ۳۱۷ و ۳۱۸)؛ یا اسم کامل نویسنده (منبع شماره ۶۳ و...) ذکر نشده است (همان، ص ۳۱۹). در معرفی برخی از منابع (جلد ۱، منبع ۸) نیز قلم‌فرسایی شده است (همان، ص ۳۱۳)، و سرانجام با وجود این که قرآن کریم یکی از منابع نویسنده است، جزو منابع ذکر نشده است.

۲-۹-۳. گاه مشخصات ذکر شده برای یک منبع در جلد ۱ و جلد ۳ متفاوت است. پیشنهاد مشخص، تهیه فهرستی جامع و مانع از منابع، با ذکر تمام ویژگی‌ها و مشخصات لازم منابع، بر اساس یکی از شیوه‌های ارجاع دهی بین‌المللی و استاندارد آثار علمی است.

۲-۱۰. ارزیابی ساختار نمایه‌ها

در این بخش، نخست نمایه‌های موجود کتاب ساختارشناسی می‌شوند و سپس به کمبودها اشاره می‌شود:

۲-۱۰-۱. نمایه‌های موجود

۲-۱۰-۱-۱. ساختار فهرست مطالب

فهرست مطالب جلدهای ۱ و ۲ و ۳ از مقبولیت متوسط برخوردارند؛ هرچند در برخی موارد، شماره صفحات با کتاب تطبیق نمی‌کند؛ مانند شماره صفحات باب ۶ از جلد ۲ که در فهرست از صفحه ۵۳۳ آغاز می‌شود؛ در حالی که در متن از صفحه ۵۲۳ آغاز شده است. همچنین شماره آغاز باب ۱۰ در جلد ۳ در فهرست، صفحه ۱۸۱ است؛ در حالی که در متن کتاب صفحه ۱۸۳ و آغاز باب ۱۱ در فهرست شماره ۱۹۵ خورده؛ اما در متن کتاب، شماره صفحه ۱۹۷ است. در هر حال، پیشنهاد مشخص، حذف کردن تعداد احادیث فصل‌ها از فهرست است؛ زیرا جز طولانی و سردرگم کردن فایده‌ای بر آن مترتب نمی‌گردد.

۲-۱۰-۱-۲. ساختار فهرست شماره احادیث منقول از هریک از معصومان عليهم السلام

فهرست شمارگان احادیث منقول از هریک از معصومان عليهم السلام، با عنوان «فهرس أرقام الأحادیث المروية عن كل من النبي صلى الله عليه وآله و الأئمة الاثنا عشر عليهم السلام في المنتخب الأثر في مجلداته عن النبي صلى الله عليه وآله»؛ که دربردارنده شمارگان احادیث منقول از هریک از معصومان عليهم السلام به ترتیب در تمامی ۳ جلد است؛ نمایه‌ای سودمند می‌باشد که بر حسن کتاب افزوده است.



۲-۱۰-۱-۳. ساختار فهرست القاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

فهرست شمارگان احادیث مربوط به القاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف با عنوان «باب بعض القابه الشریفة»، نمایه‌ای سودمند است که موجب بهره‌مندی بیش‌تر از کتاب است؛ لیکن گویی مقصود نویسنده محترم افزودن فصل دیگر به کتاب است، که در این صورت، باید در جای خود در یکی از ابواب و ترجیحاً در باب ۳: «الباب الثالث فیما یدل علی ظهور المهدي و أسمائه و أوصافه و خصائصه و شمائله و البشارة به عجل الله تعالی فرجه الشريف» گنجانده شود. در هر صورت، پیشنهاد نگارنده، این جستار افزودن فصلی مستقل با همین عنوان به کتاب است.

۲-۱۰-۲. عدم فصلی نمایه‌های بایسته

به جز نمایه‌های گذشته، نمایه‌ای برای این اثر ۳ جلدی گران‌سنگ تهیه نشده است و جای خالی انواع نمایه‌ها احساس می‌شود. لذا پیشنهاد مشخص نگارنده، تهیه نمایه‌های متعدد برای این کتاب است: نمایه آیات قرآن، نمایه اعلام اشخاص، نمایه اعلام امکنه، نمایه اعلام ازمه، نمایه اعلام قبایل، نمایه اعلام فرقه‌ها، نمایه نام کتاب‌ها، نمایه اصطلاحات و...



نتیجه‌گیری

مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش حاضر در مورد ساختارشناسی کتاب منتخب الأثر، در موارد ذیل خلاصه می‌گردد:

۱. ساختاربندی روایات در ابواب ۱۱ گانه کتاب و تقسیم‌بندی ابتکاری هر باب به فصل‌های متعدد و ساختاربندی، چینش و ترتیب منطقی بین فصول داخلی هر باب؛ شاخص‌ترین امتیاز این کتاب به شمار می‌آید. با این حال، عنوان‌گذاری باب‌ها دارای کاستی‌های متعدد و مطالب ابواب در مقایسه با یکدیگر ناموزون است. نیز مشخصاً باب‌های ۱ و ۲ فاقد فصل‌بندی‌اند. لذا پیشنهاد می‌شود این دو باب با توجه به عنوان‌های پیشنهادی مؤلف در بخشی از ملحقات باب دوم با عنوان «الفهرس للأحادیث الناصّة علی أنّ الأئمّة و الخلفاء و النقباء و الأوصیاء و ... اثناعشر حسب مضامینها و مدالیلها» و بیانات دیگر مؤلف در چند مورد از کتاب فصل‌بندی گردند. نیز مؤلف محترم در پایان جلد ۱ و باب ۲، به نگارش ۴ ضمیمه علمی در زمینه تبیین مفاد و مصداق و شبهه‌زدایی از احادیث خلفای ۱۲ گانه پرداخته است. اگر هرکدام از این مباحث علمی در پایان فصل مربوط به احادیث مربوط در متن و نه در پانوشت و نه در ضمایم صورت می‌گرفت؛ برای خواننده زود دسترس بود و در فهم مباحث بیش‌تر تسهیل می‌کرد.

۲. یکی از امتیازات ویژه کتاب منتخب الأثر، اصالت در ارجاع می‌باشد؛ اما شایسته است این نوع ارجاع‌ها و نیز برخی از موارد مانند نسخه‌بدل، همچون سایر ارجاع‌ها به منابع در پانوشت درج و وحدت رویه رعایت گردد. پیشنهاد دیگر این است که در هر فصل، بعد از ذکر متن روایات اصلی هر فصل، که مؤلف کتاب برای پرهیز از تطویل متن روایات را نیاورده و در روایات شاهد، به ارجاع دهی داخلی و درج شماره روایات در داخل کتاب از فصل‌های دیگر بسنده کرده است؛ تک یا چند جمله مورد استناد در کنار شماره‌ها در داخل گیومه درج شود.

۳. فهرست مطالب جلد ۱ و ۲ و ۳ دارای کاستی‌های مشخص است. پیشنهاد نگارنده فهرست‌گیری مجدد رایانه‌ای است. در این زمینه، دیگر پیشنهاد نگارنده تهیه نمایه‌های متعدد برای کتاب است؛ مانند نمایه آیات قرآن، نمایه اعلام اشخاص، نمایه اعلام مکان‌ها، نمایه اعلام قبایل، نمایه اعلام فرقه‌ها، نمایه نام کتاب‌ها و نمایه اصطلاحات.



منابع

۱. آرامبراستر بی. بی. تی. اچ. آندرسون (بهار ۱۳۷۲). «تحلیل کتاب درسی»، مترجم: هاشم فردانش، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۳، ص ۷۹-۹۲.
۲. آزمند، محمد (۱۳۸۴). ملاحظاتی در نگارش متون درسی، سخن سمت، شماره ۱۴.
۳. ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة، المحقق: عبد السلام محمد هارون، بی جا، دار الفکر.
۴. بحرانی، یوسف (بی تا). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين.
۵. بهائی، محمد (بی تا). مشرق الشمسين واکسیر السعادتین (الملقب بمجمع النورین ومطلع النیرین)، افست از چاپ سنگی. قم، منشورات مکتبه بصیرتی.
۶. جزائری، سید نعمت الله (۱۴۱۳ق). کشف الأسرار فی شرح الإبتصار، محقق: مؤسسۀ علوم آل محمد ﷺ. قم، مؤسسۀ دارالکتاب.
۷. جوهری، إسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). تاج اللغة و صحاح العربیة، محقق: أحمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین.
۸. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۴ق). مبادئ الوصول إلى علم الأصول، محقق: عبد الحسین محمد علی البقال، قم، مرکز النشر مکتب الإعلام الإسلامي.
۹. رضی، احمد (۱۳۸۷). کتاب درسی دانشگاهی (مجموعه مقالات همایش بین المللی کتاب درسی دانشگاهی) مقاله «شاخص های ارزیابی و نقد کتاب های درسی دانشگاهی»، تهران، سمت.
۱۰. صاحب معالم، حسن بن زین الدین (۱۳۶۲). منتقى الجمان، مصحح: علی أكبر غفاری، قم، مؤسسۀ النشر الإسلامي.
۱۱. صافی، لطف الله (۱۴۲۸ق). منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر عنه السلام، قم، دفتر حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی.
۱۲. طباطبایی، سید علی (۱۴۱۲ق). ریاض المسائل، محقق: مؤسسۀ النشر الإسلامي، قم، مؤسسۀ النشر الإسلامي.
۱۳. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرين، تهران، مکتبه المرتضویه.
۱۴. علیاری تبریزی، علی بن عبدالله (۱۴۱۲ق). بهجة الأمال فی شرح زیادة المقال، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.



۱۵. عمادی حائری، محمد (۱۳۸۸ق). *بازسازی متون کهن حدیث شیعه، روش، تحلیل، نمونه*، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد انقلاب.
۱۶. فراهیدی، خلیل (بی تا). *کتاب العین*، قم، هجرت.
۱۷. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، موسسه دار الهجرة.
۱۸. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۰۶ق). *الوافی*، اصفهان، مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی علیه السلام العامة.
۱۹. قمی، ابوالقاسم بن حسن (۱۳۷۵ق). *قوانین الأصول*، تهران، مکتبه العلمیه اسلامیة.
۲۰. کلباسی، محمد (۱۴۲۲ق - ۱۳۸۰). *الرسائل الرجالیة*، محقق: محمد حسین الدرایتی. قم، دار الحدیث.
۲۱. کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (۱۴۱۳ق). *المقالات و الرسائل*، قم، المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
۲۲. مجلسی، محمد تقی (۱۴۱۴ق). *لواعص صاحبقرانی*، قم، کتاب فروشی اسماعیلیان.
۲۳. مرعی، حسین عبدالله (۱۴۱۷ق). *منتهی المقال فی الدراییة و الرجال*، بیروت، موسسه العروة الوثقی.
۲۴. ملکی، حسن (پاییز ۱۳۸۴). «مقاله نظریه‌ها و تجربه‌ها: شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی (بخش بیکره و متن)»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ش ۱۵، ص ۷-۲۴.
۲۵. منصوریان، یزدان (تابستان ۱۳۹۲). «صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش»، فصلنامه نگارش و پژوهش کتب دانشگاهی، ش ۲۹، ص ۱-۱۷.
۲۶. نراقی، میرزا ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *شعب المثل فی درجات الرجال*، محقق: محسن الأحمدی، قم، المؤتمر المحقق النراقی.
۲۷. نوری، حسین (۱۴۱۶ق). *خاتمة المستدرک*، محقق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۲۸. وحید بهبهانی، محمد باقر (بی تا). *الفوائد الرجالیة*، نسخه موجود در نرم افزار مکتبه أهل البيت.
۲۹. همدانی، مصطفی (مرداد ۱۳۹۹). «تقد کتاب روش تحقیق آمیخته»، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره پیاپی ۸۱، ص ۴۱۳-۴۴۱.